

## جوابیه به شخصی بنام «سید رحمن غوربندی»

من به تاریخ سه دسمبر ۲۰۱۳ مضمونی تحت عنوان «در امضای پیمان با امریکا چرا باید عجله شود» نوشتم که در سایت افغان جرمن به نشر رسیده و شما میتوانید آن را در لنک ذیل مشاهده نمایند.

[http://www.afghan-](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/mesdaq_nabi_dar_emzaye_payman_ba_us_tshera_bayad_ajala_kard.pdf)

[german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/mesdaq\\_nabi\\_dar\\_emzaye\\_payman\\_ba\\_us\\_tshera\\_bayad\\_ajala\\_kard.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/mesdaq_nabi_dar_emzaye_payman_ba_us_tshera_bayad_ajala_kard.pdf)

من خودم بعد از تقریباً ۳۵ سال تماس های پی در پی و ملاقات های مستقیم که با سران تنظیم ها، پادشاه سابق و صد ها افغان وطن دوست و مامورین مسئول در انگلستان و امریکا داشتم، به این عقیده و به این نتیجه رسیده ام که حالا ما در بهترین موقعیت پیاده ساختن صلح قرار داریم. برای خلاصه مطلب به نکات ذیل اشاره می نمایم:

اول: نیرو های مقاومت، ۴۹ قوای کشور های متجاوز را که تا دندان مسلح بوده به زانو آورده و همه در حال فرار اند. همچنان در هریک از این ممالک، فشار های مردمی و تظاهرات خیابانی نظر به تلفات جانی و مالی غیر ضروری باعث شده است که متجاوزین در روش نادرست خود تجدید نظر نموده و به زودترین فرصت قوای خود را از افغانستان بیرون کرده و به خانه های شان بر گردانند.

دوم: در جناح مقاومت، ملا محمد عمر چندین بار متذکر شده که آرزوی انحصار قدرت را ندارد و میخواهد با همه گروه های در گیر در یک حکومت اسلامی و افغانی سهیم گردد. حکمتیار هم تا حال چند بار یاد آور شده که در صورت خروج قوای خارجی از جنگ دست کشیده و در انتخابات اشتراک خواهد ورزید. او گفت هر کسی را که هموطنان ما انتخاب نمایند با اخلاص کامل قبول خواهد کرد.

سوم: گروه های ائتلاف شمال که در ۱۲ سال اخیر از هیچ به کمک اجانب صاحب صدها ملیون دالر شده اند، نمی خواهند این ثروت غیر مشروع را از دست بدهند. با وجود بعضی تند گوئی ها و تند روی های تصنعی، گروه های ائتلاف شمال خیر خود را در نهایت در صلح میبینند زیرا میدانند که یک اقلیت کوچک نمی تواند بطور دائم افکار و نظریات خود را بر اکثریت بزرگ تحمیل کند.

چهارم: امریکا و کشور های ناتو از یکسو با رکود قابل ملاحظه اقتصادی روبرو هستند و از جانب دیگر، طوریکه در بالا نگاشتم، زیر فشار روز افزون افکار عامه مردم خود قرار دارند که باید به زودی با آبروی برباد رفته از افغانستان خارج گردند. وقتیکه قدرت های متجاوز به این امر پی ببرند که افغانستان امروز افغانستان یک ده قبل نیست و مردم ما نشیب و فراز زیادی را در خلال این مدت تجربه کرده و قربانی های بی شماری را داده اند، آن زمان متجاوزین طور دیگری خواهند اندیشید تا هر چه زود تر خود را از باتلاق افغانستان نجات دهند. مردم ما هم از جدال و مصیبت های کنونی و جنگ های تباہ کن فرسایشی به ستوه آمده اند.

پنجم: امروز افغانهای میهن دوست و دلسوز ما در داخل و خارج صد ها طرح صلح نگاشته که در صورت امکان بر مبنای چهار اصل بالا میتوانند طرح ها افغانهای بیطرف را که مربوط به هیچ حزب و تنظیم نیستند معیار گرفته و بدان عمل نمایند و راهی را که به خیر و فلاح افغانستان عزیز باشد انتخاب کنند. میدانم که جدال های بی مورد و کشت و خونهای بی موجب اعتماد را بر یکدیگر سلب نموده که غلبه بر چنین حالت کار ساده نیست، اما مجبورند که با بدور انداختن غرور و تنفر بیجا راه سالم ملی را در پیش گیرند.

بعد از نشر مضمون من در سایت افغان جرمن و چند سایت دیگر شخصی بنام سید رحمن غوربندی که نوشته ها و جمله بندی هایشان بسیار به نوشته های محترم ولی نوری شباهت دارد، چند صفحه را پرکرده است. من در لست نویسندگان سایت افغان جرمن اسم سید رحمن غوربندی را تا این لحظات نیافتم.

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/r\\_ghurbandi\\_ba\\_jawab\\_faizi.pdf](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/r_ghurbandi_ba_jawab_faizi.pdf)

چون انتقاد بنده بالای دو افغان قلم به دست، محترم محمد ولی نوری و محترم عبدالله کاظم بود که هر دو شخصیت وطن دوست بوده که به نظریات شان احترام می گذارم ولی با آنها هم نظر نیستم. من از این دو جناب تشکر میکنم که به بزرگی خویش انتقاد مرا تحمل نموده اند. من آرزو ندارم که به جواب کسی بپردازم که به نام مستعار چیزی می نویسد. لکن یقین دارم که به پیشنهاد بناغلی نوری صاحب، همان مضمون در صدر نوشته های برگزیده هفته در سایت افغان جرمن گذاشته شده است. پس تصمیم گرفتم با وجود اینکه برای همچو جفنگ گوئی ارزشی قایل نیستم، لازم دانستم توجه خوانندگان را به ارتباط تحریر فردی به نام "سید رحمن غوربندی" جلب نمایم.

سید رحمن غوربندی (مستعار نام- الله عالم) مینویسد: «به نظر بنده این دو نفر نسبت به شما زیاد تر در غم مملکت و مردم خود هستند...» خوب، در صورتیکه خودت مرا نمی شناسی و هم معلوم میشود که کدام کتاب و نوشته بنده را نخواندهی، پس چطور به خود حق میدهی که همچو قضاوت صادر نمائی؟ جناب شما مرا نمی شناسید ولی ملیون ها افغان بنده را به اساس خدماتی مطبوعاتی که در زمان جهاد انجام دادم می شناسند. فعالیت های من به ارتباط خدمت مردم و میهن کماکان ادامه دارد. فکر میکنم که در زمره ای چند افغان وطن خواه دیگر باشم که به مجرد اشغال شوروی کار علمی را در یکی از پوهنتون های انگلستان کنار گذاشته و از طریق ژورنالیزم و خدمات مطبوعاتی که در بسی اوقات خطرات جانی هم در برداشت، ناله های هموطنان خود را به جهان رساندم. هکذا آخرین کتاب من به نام «افغانستان، ضعف سیاسی و مداخله های خارجی» که به زبان انگلیسی تحریر شده و در لندن و نیویارک به طبع رسیده که به تعداد ۱۵۰۰ جلد آن از جانب کتابخانهای پوهنتونهای برتانیه و امریکا و بعضی نهاد های علمی دیگر خریداری شده است. من چند ماه قبل به دنمارک سفر نمودم و در یک کتاب خانه کوچک محلی سر زدم. وقتیکه برای افراد موظف در کتابخانه گفتم که کتاب مرا ندارند، برای سه کتابخانه بزرگ شهر کوینهاگن را در کمپیوتر نشان دادند که هر یک از آن کتابخانه ها کتاب بنده را داشت. پس من اطمینان دارم که ده ها کتابخانه در شهر های اروپا و امریکا هم کتاب بنده را در قفسه های خود دارند. شما فعالیت آنهایی را که سایت افغان جرمن را از نوشته های بی محتوای خود پر کرده اند از خدمات من بیشتر میدانید! میتوانی این کتاب و دیگر نوشته های بنده را در گوگل ویا امزون زیر نام من ببینید. ترجمه عنوان کتاب به دری «افغانستان، ضعف سیاسی و مداخله های خارجی، پاکتر نبی مصداق، مطبعه روتلج، لندن و نیو یارک». مقاله نوشتن به زبان خود در یک سایت از یک اثر علمی که اذهان هزارها جوان را در سراسر جهان از واقعیت های افغانستان مطلع می سازد، بسیار فرق دارد.

محترم غوربندی می نویسد: «جناب مصداق صاحب شما نوشته اید (چرا برای ده سال دیگر هم زن ها و اولاد های ما را مجبور بسازند که برای شب به کوه ها بروند ویا در خانه های خود اذیت، بندی و کشته شوند) و بعداً علاوه می کنید که «این نوشته تان تبلیغ ضد امریکائی بیش نیست...» خوش شدم که ضمیر خواب برده جناب شما تکان خورد. شما لطف کرده با چند ترجمان راز دل کنید و بعد از آن تاپه این و آن را بزنید، زیرا برای تان معلوم خواهد شد که باوجود طیاره های نظامی که شما به آن اشاره میکنید، کوه ها سنگر مقاومت و پناگاه های مردم ما در طول تاریخ بوده و هنوز هم است.

در دو جای شما مینویسید که «طالبان کرام تان» و «طالبان کرام شما». من در حیاتم به کدام تنظیم ویاحزبی ارتباط نداشته ام، اما شما اگر در همچو تاپه حواله کردن از احتیاط کار نگیرید ممکن کله تان از آستین کدام ستمی و یا معاشخور امریکائی برآید.

شما به پول های که امریکا برای اعمار سرک و شفاخانه مصرف کرده و قسمت زیاد آن هم به یغما برده شده و به افرادی مانند محمدی و هزار ها فرد مسئول دیگر در بامیان اشاره میکنید که پول شفاخانه ها را دزدیده اند. اگرچه این حادثه تکان دهنده است ولی خبر نو نیست. افغانهای واشنگتن و استاد هاشمیان از کلیفورنیا چندین بار این چور و چپاول را به مقامات امریکا در ده سال گذشته خاطر نشان کرده اند که محاسبه مصرف پول خود را در افغانستان بگیرند ورنه افغانها ادعای را که به ملت افغان کمک بی شائبه شده قبول نخواهند کرد. مثال دیگر تان قیمت یک گیلن تیل در پکتیا ۲۰۰ دالر برای امریکا تمام میشود (چرا تنها پکتیا را مثال میدهید؟). اول، افغانستان کوهستانی است. سرک های دولینه و سه لینه ندارد و مصئونیت و امنیت هم نیست و قوای متجاوز امریکا تا حال قادر نشده که امنیت را حتا برای قوای خود تأمین نماید. این دلایلی است که تیل برای امریکا نسبت به قیمت آن در عراق گرانتر تمام میشود. دوم، امریکا تیل را ممکن از قزاقستان توسط طیاره به پکتیا بیاورد که اگر مصرف خرید تیل را با استهلاک طیاره و کرایه تانکهای حمل و نقل و معاشات درپورها و اشخاص مؤظف یکجا حساب کنیم، باید هم تیل بسیار قیمت تمام شود. سوم، در حالیکه در گردیز و خوست تانکهای تیل وجود دارد و هر روز مردم موتر های شان را از تیل پر میکنند، چرا آنها نمی توانند مشکل خود را محلی حل نمایند؟

شما به دوستم و پوهاند اشرف غنی بجا اشاره کرده اید که «چگونه یک قاتل، مجرم حقوق بشر و بیسواد را معاون اول خود تعیین کرده است؟». من از زمره افراد اول بودم که برای آقای اشرف غنی گفتم که سهو بزرگی را مرتکب شده است. اما آیا محقق و دیگر جنگسالارن در میدان انتخابات نیستند؟ در پینتو یک مثل است، خنگه چي بي غر هغسي بي کربوری.

در اخیر شما محترم قصه بابه خارکش را بیان کردید که واقعاً به خودتان میخواند. افغانستان در طول تاریخ به پای خود ایستاده و از امکانات خود استفاده کرده و امپراتوری پی امپراتوری را از خاک خود بیرون انداخته است. اما اجانب و متجاوزین به شما حالا گفته و تلقین کرده اند که اگر آنها (قوای متجاوز) نباشند ما نابود میشویم. فکر می کنم که با مشاهده رنگهای مرغوب، شما راه بهشت را یافته اید.

**نوٹ:** چون شما نوشته آقای غوربندی را از پایان به بالا یعنی در قطار برکزیده ها هم بردید، من هم از بناغلی نوری صاحب خواهش میکنم که این جوابیه را نیز برای مدتی در ستون برکزیده های هفته جا بدهند.